پژوهش نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صص ۹۱ـ۱۱۴(مقاله پژوهشی)

No. 25, Autumn & Winter 2019/2020

کاربست تحلیل گفتمان در تبیین پیوستگی سورهٔ احزاب
(با محوریّت تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن)

فاطمه دسترنج[۱]، علیرضا طبیبی[۲]، منصوره عرب[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۱/۲۲ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۲/۲۳)

چکیده

یکی از کارکردهای نظریه پیوستگی سوره، پاسخ به شبهات پراکنده‌نمایی و گسستگی آیات است. از آنجا که سورهٔ احزاب به دلیل بحث‌های کلامی و دربرداشتن موضوعات متعدد، در خوانش قرآنی در برخی فرازها با شبههٔ عدم پیوستگی و انسجام، مواجه است؛ لذا بهره‌گیری از مطالعات زبان‌شناسی در حوزه تحلیل گفتمان و کاربست آن در اثبات پیوستگی سوره و رفع شبههٔ پراکنده‌نمایی گفتمان‌های مطرح شده در آن بسیار کارگشاست. از آنجا که علامه طباطبایی و سید قطب از قائلان انسجام و پیوند معنایی آیات یک سوره هستند لذا در این پژوهش با روش تحلیلی و با کاربست تحلیل گفتمان با استناد به آرای تفسیری سید قطب و علامه طباطبایی، سوره احزاب، بررسی و این نتیجه حاصل آمد که سید قطب، بیش از علامه درصدد برقراری ارتباط آیات و فرازهای مختلف سوره با گفتمان محوری سوره است، هرچند دقت علامه در تحلیل ریزگفتمان‌ها نمود بیشتری دارد. نحوهٔ پردازش مطالب و خوانش آیات در توسط سید قطب و علامه، منطبق بر گفتمان هوشمند از نوع القایی است، در این میان آراء علامه با نظام گفتمانی هوشمند از نوع برنامه‌مدار و نیز نظام گفتمانی رخدادی از نوع مشیّت الهی تناسب دارد و در آرای سید قطب علاوه بر این نظام‌ها، نظام گفتمانی هوشمند از نوع مرام‌مدار نیز دیده می‌شود. او می‌کوشد گفتمان مبتنی بر مشیّت الهی را چون محوری کلیدی حفظ نماید و به خاطر سابقه هنری در تصویرسازی‌های قرآن، در سوره احزاب نیز این نگاه خود را امتداد داده لذا در مواردی، گفتمان احساسی از نوع تنشی ـ عاطفی، نمود دارد.

کلید واژه‌ها: *پیوستگی سوره، المیزان، فی ظلال القرآن، سوره احزاب، تحلیل گفتمان.*

---

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک؛ F-dastranj@araku.ac.ir
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، نویسنده مسئول؛ a-Tabibi@araku.ac.ir
۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک Arab.hm@yahoo.com

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

۱ـ بیان مسأله

روشمند کردن مطالعات قرآنی در عصر حاضر، محققان و قرآن‌پژوهان را بـه تـلاش در بهره‌گیری از ظرفیّت سایر دانش‌ها واداشته است. در این میان، مقولـه تحلیـل گفتمـان کـه روشی جهت درک و فهم ساختار کلی گفتمان تولید شـده اسـت جایگـاهی ویـژه دارد. بـا توجه به اینکه قرآن با زبان خاص خود، گفتمانی است که توسط گفته‌پرداز برای ارتباط بـا گفته‌یابان نازل شده است، می‌توان گفت تلاش تفسیری مفسران، تلاشی جهت فهـم گفتمـان آیات است. در طول تاریخ، مفسران و محققان علوم قرآنی از وجوه مختلـف بـه مطالعـه و فهم قرآن پرداخته‌اند، یکی از این وجوه پرداختن به گسستگی (discoherence) یا پیوستگی (coherence) سور قرآن است. در این میان گروهی اعتقاد دارند که چیـنش (arrangement) آیات در سوره‌ها و نیز چینش سوره‌ها به صورت تـوقیفی در زمـان پیـامبر (ص) صـورت گرفته و از این‌رو درباره ارتباط میان آیات و ترتیب آنها قائل به نوعی پیوستگی و انسـجام (cohesion) هستند، و اینگونه به تحلیل ساختاری سوره‌های قرآن به مثابه یک کل منسـجم و یکپارچه نظر دارند. هر چند این نظر مخالفینی دارد که اعتقاد به پیوستگی آیات ندارنـد، اما در این مقاله نگاه ما معطوف به قائلین به نظریه پیوستگی سوره است. در این میان سـید قطب (۱۳۸۶ق) و علامه طباطبایی (۱۴۰۲ق) از جمله مفسّرانی هستند که بـه ایـن امـر در تفاسیر خود اذعان نمودند. سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن در مقدمه تفسیر هر سـوره از مفهوم "محور سوره" و یا در برخی موارد از "موضوع سوره" یاد می‌کنـد کـه ایـن امـر نشان از اهتمام او برای اثبات پیوستگی سوره اسـت. علامـه طباطبـایی نیـز در المیـزان از موضوع اصلی سوره با عنوان "غرض سوره" یاد می‌کند و برای رسیدن به "غرض سـوره" آیات ابتدایی و انتهایی و نیز سیاق (register) آیات را بررسـی مـی‌کنـد. ایـن تـلاش‌هـا و کوشش‌ها برای اثبات پیوستگی سوره جهت بهره‌مندی بیشتر از معارف قرآن و رسـیدن بـه هدفی است که در آیات، سوره‌ها و در سطح بالاتر در کل قرآن نهفته است. از طریق تحلیل نظام زبانی قرآن و به تعبیر دیگر تحلیل گفتمان (discourse analysis) که از جمله مباحـث

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

مهم نقد نوین می‌باشد می‌توان به فهم بهتر قرآن دست یافت. بیان انسجام و پیوستگی قرآن در پی بیان محتوای کلی سوره و به نوعی به دنبال فرآیند کشف معنای تولید شده ما را به تحلیل گفتمان نزدیک می‌نمایند. از آنجا که سوره احزاب به دلیل بحث‌های کلامی و دربرداشتن موضوعات متعدد، در خوانش قرآنی با شبهه عدم پیوستگی و انسجام در برخی فرازها مواجه است و یکی از کارکردهای نظریه پیوستگی سوره، پاسخ به شبهات پراکنده‌نمایی و گسستگی آیات است، لذا بهره‌گیری از مطالعات زبان‌شناسی در حوزه تحلیل گفتمان و کاربست آن در اثبات پیوستگی سوره و رفع شبههٔ پراکنده‌نمایی گفتمان‌های مطرح شده در آن بسیار کارگشاست. از این‌رو در پژوهش حاضر از تحلیل ساختار پیوسته و ثابت سوره فراتر می‌رویم و تلاش می‌کنیم ساختار منعطف و سیّال سوره را در فرآیند تولید گفتمان تحلیل کنیم. بحث‌های کلامی پیرامون سوره احزاب و پراکنده‌نمایی محتوای آیات، که خود شبهاتی را برای مستشرقان و برخی از قرآن‌پژوهان ایجاد کرده است، ما را بر آن داشت تا به بررسی آن بپردازیم.

هر چند پرداختن به موضوع پیوستگی سوره با ادبیاتی مانند "نظم آیات" و "تناسب سور" در آثار پیشینیان به چشم می‌خورد اما آنچه در این پژوهش مدنظر است نگاه زبان‌شناسی و تحلیل گفتمانی به این مقوله است. از این‌رو به ذکر پژوهش‌هایی پرداخته می‌شود که از این منظر به عرصه پیوستگی سوره ورود کرده‌اند. برای مثال «الاوی» در کتاب «روابط متنی قرآن ـ ربط پیوستگی و ساختار» با یک نگاه زبان‌شناسانه و کاربردشناسانه به موضوع ارتباط آیات می‌پردازد و درصدد است تا با بهره‌گیری از نظریه ربط (Relevance Theory) متن را به عنوان کنشی از ارتباط بررسی نماید. ایشان در کتاب خود به بررسی سوره احزاب و قیامت می‌پردازند. تلاش ایشان ناظر به یافتن شاخص‌های روابط متنی مانند ندای تأکید و ضمائرگردانی و ... است. البته پژوهش‌های دیگری نیز وجود دارد که به نوعی به بررسی تناسب آیات پرداخته‌اند[۱].

---

۱. نک: پایان‌نامه خانم مقبلی با عنوان «بررسی تناسب آیات در تفسیر المیزان از دیدگاه علامه طباطبایی با تکیه بر سوره احزاب» و مقاله «واکاوی کارکرد تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی متن قرآن کریم با تأکید بر رهیافت نیل رابینسون» اثرنرجس توکلی و اعظم پویازاده.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

از این‌رو پژوهش حاضر در صدد است تا با شیوه تحلیلی و با استناد به آرای تفسیری سید قطب و علامه طباطبایی در تفسیر سوره احزاب کاربست تحلیل گفتمان در اثبات نظریه پیوستگی سوره در تفسیر سوره احزاب را بررسی نماید و دریابد چه مؤلفه‌هایی در تحلیل گفتمان آیات به کمک اثبات پیوستگی سوره آمده وکدام‌یک از انواع نظام‌های تحلیل گفتمان را می‌توان در آرای تفسیری سید قطب و علامه طباطبایی در سوره احزاب مشاهده کرد؟ با توجه به اینکه از نظرات دو مفسّر استفاده می‌شود، مقاله حاضر به نوعی پژوهش تطبیقی (Comparative research) است که برای دست یافتن به این امر تمام آیات سوره احزاب بررسی و از میان آنها به آیاتی اشاره می‌شود که در آنها نظام‌های تحلیل گفتمان، نمود بیشتری دارد.

۲ـ مفهوم‌شناسی

۲ـ۱. پیوستگی

در فرهنگ لغت‌هایی چون دهخدا، فرهنگ فارسی معین و ... ذیل واژه «پیوستگی»، مفهوم اتصال و یکی شدن، همبستگی و ارتباط آمده است که در مقابل گسستگی و انفصال قرار دارد. در اصطلاح، «مفهوم پیوستگی و پیوستگی متن یکی از تعابیر اساسی دانش زبان‌شناسی است.» (البرزی، ۱۳) پیوستگی متنی به کلیه روابطی اطلاق می‌شود که عنصری از یک جمله را به عناصری از جمله پیشین متصل می‌کند و از آنجا که چنین ارتباطی از طریق روابط متنی صورت می‌گیرد، «پیوستگی متنی شامل روابط لغوی، دستوری یا معنایی است». (Titscher,p22) در این میان پیوستگی معنایی به معنای «ارتباط مطالب متن و تعبیر و تفسیر آن با توجه به بافت‌های موقعیت در سطوح خرد و کلان، اعم از شرایط اجتماعی، دانش فرهنگی ـ اجتماعی مفسر درباره حقایق جهان و تجربیات زندگی، پیش‌ذهن‌ها، فرهنگ، باورها، اعتقادات، تاریخ، بینامتنیت و دانش زمینه‌ای است.» (آقاگل‌زاد، ۵۵) پس مفهوم پیوستگی در دانش زبان‌شناسی تعریف شده و بر ارتباطی در سطح زبانی و فرازبانی دلالت می‌کند.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

«پیوستگی سوره» شاخه مهمی از علم مناسبات در قرآن است. نظریه پیوستگی سوره که با عنوان وحدت موضوعی سوره‌های قرآن نیز شهرت یافته (شحاته،۱۲) در پی بیان این نکته است که برخلاف تصور از هم‌پاشانی بودن آیات سوره و از هم‌گسیختگی آن، موضوعات درون یک سوره از انسجام و وحدت ساختاری برخوردار هستند که این پیوند و پیوستگی میان آیات با تدبّر در آنها قابل کشف است.

بحث از هدفمندی سوره با وحدت موضوعی، ذیل نظریه پیوستگی سوره مطرح می‌شود، زیرا وحدت موضوعی در مورد متنی صادق است که به هم‌پیوسته بوده و دارای انسجام ساختاری و محتوایی باشد. روشن است که این امر در مورد متن پراکنده و پریشان محلی از اعراب ندارد. در نظریه پیوستگی سوره، استنطاق از آیات، وابستگی بیش از حدّی به خود متن دارد و مفسر اتّکای حداکثری به متن را برمی‌تابد تا از این رهگذر به کشف مراد خداوند از آیات بپردازد. این امر همان معنای تدبّر در قرآن برای فهم قرآن است. مبنایی که قائلان به نظریه پیوستگی سوره در نظر دارند، موضوع «توقیفی بودن چینش آیات» در یک سوره است. (ایازی، ۱۸) قائلان به دیدگاه دوم در پی یافتن حکمت چینش آیات برآمده و معتقدند که این چینش دارای پیوستگی و انسجامی است که به فهم پیام سوره و در نهایت به فهم پیام قرآن کمک می‌نماید. سید قطب نیز از قائلین به نظر توقیفی بودن چینش آیات است. (سید قطب، ۴۲/۱)

۲ـ۲. تحلیل گفتمان

گفتمان و تحلیل گفتمان از جمله مفاهیمی هستند که تعاریف گوناگونی برای آنها بیان شده است. کوبلی تحلیل گفتمان را از جمله روش‌های کیفی تحقیق می‌داند که «از آن می‌توان به عنوان ابزاری قدرتمند برای فهم محتوا و ساختار استفاده کرد. (کوبلی، ۶۰۰/۳) در این نگاه تحلیل کاربرد زبان و به کارگیری زبان به مثابه کنش اهمیت دارد. «هدف این روشِ تحلیل، سامان دادن، نظام‌مند کردن و استفاده بهینه از مؤلفه‌های نظیر تحلیل واژگان و

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

اصطلاحات، بررسی انسجام متن، سیاق و بررسی روابط بینامتنی است». (شکرانی، ۹۹/۱۳) گفتمان فرآیندی است که در آن معنایی که توسط گفته‌پرداز (enunciator)، تولید شده، در سوی دیگر ماجرا توسط گفته‌یاب (enunciate) درک و دریافت می‌شود و این چنین تحلیل گفته (utterance) صورت می‌پذیرد، که متأثر از عوامل سطح زبانی و فرازبانی است.

۲ـ۳. انواع نظام‌های تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان یک فرآیند است و این فرآیند یک نظام گفتمانی را شکل می‌دهد. نظام‌های گفتمانی نظام‌های فرآیندی هستند که یا از ویژگی‌های کنشی، توانشی و شَوش برخوردارند، یا بدون هیچ توانشی کنش‌آفرینی می‌کنند. (شعیری، ۱۰۶) در این تعریف «کنش» به عملی گفته می‌شود که ضمن تحقق برنامه‌ای، می‌تواند وضعیتی را به وضعیتی دیگر تغییر دهد. (وفایی، ۱۱) «شوِش» نیز از مصدر شدن به دست آمده است. شوش یا توصیف‌کننده حالتی است که عاملی در آن قرار دارد یا بیان کننده وصال عاملی با ابژه یا گونه‌ای ارزشی است. عامل شوشی به واسطه رابطه پدیداری و حسی ادراکی که با دنیا برقرار می‌کند، معناسازی می‌کند. (همان، ۹۹) در این تعریف اگر نظام گفتمانی مبتنی بر عملکرد عوامل گفتمانی باشد از اصل کنش و اگر مبتنی بر نوع یا شیوه حضور آن عوامل باشد، از اصل شَوش پیروی می‌نماید. (شعیری، ۷۷) با این زاویه نگاه می‌توان انواع نظام‌های گفتمانی را در سه دسته هوشمند، احساسی و رخدادی جای داد. هر کدام از این نظام‌ها خود دارای انواعی است. نظام گفتمانی هوشمند شامل نظام برنامه‌مدار (تجویزی)، القایی و مرام‌مدار است. نظام گفتمانی احساسی را می‌توان در سه دسته تنشی ـ عاطفی، حسی ـ ادراکی و زیبایی‌شناختی جای داد و در آخر نظام گفتمان رخدادی شامل گفتمان مبتنی بر مشیّت الهی، مبتنی بر تصادف و مبتنی بر اقبال است.

۲ـ٤. مؤلفه‌های تحلیل گفتمان

در تحلیل گفتمان یک متن می‌توان مؤلفه‌هایی را لحاظ کرد که تحلیل‌گر را در واکاوی

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

متن کمک می‌نمایند. تحلیلگر با به کارگرفتن این مؤلفه‌ها در تحلیل، قادر به کاویدن متن و رسیدن به لایه‌های زیرین و پیام واقعی خواهد شد. (یارمحمدی، ۱۴۳) این مؤلفه‌ها می‌تواند برخاسته از پرسش‌هایی درباره شکل‌گیری گفتمان و یا اهداف مورد نظر گفتمان باشد. مؤلفه‌هایی که در مقاله «بررسی روش گفتمان‌کاوی و کاربست آن در متون روایی» (شکرانی، ۱۰۹) آمده مدنظر این مقاله است که البته میزان این مؤلفه‌ها می‌تواند بنا به نظر تحلیل‌گر کاهش یا افزایش داشته باشد. برخی از این مؤلفه‌ها عبارتند از

• واکاوی واژگان: دلیل انتخاب هر واژه در مقابل واژگان فرضی ـ نوع بیان واژگان و...

• واکاوی جملات و گزاره‌ها: تحلیل جملات به لحاظ تقدّم و تأخر ـ مجهول یا معلوم بودن ـ دلالت‌های ضمنی (استلزام، پیش‌فرض، اشاره، تداعی) ـ دلالت‌های مفهومی ـ صنایع ادبی ـ مباحث نحوی، بلاغی و... .

• بررسی پیوستگی متن به لحاظ ساختاری و معنایی: دارای عناصری چون ارتباط آغازه و پایانه ـ عوامل ربطی (افزایشی ، علیّ، زمانی، نقیضی، شرطی، توضیحی، تخصیصی، امتیازی) ـ ارجاع (اسامی خاص، عبارات اسمی، ضمائر) ـ عوامل واژگانی (تکرار عین واژه، واژگان هم‌معنا و...) ـ تعیین دامنه سیاق و ... .

• تعیین ساختارهای درونی متن و معنای کلان آن: دلیل انتخاب موضوعات مختلف در آیات ـ چرایی تأکید ـ حذف و ... .

• توجه به روابط بیرون از متن: توجه به روابط بینامتنی و بافت موقعیّت.

در ادامه به دنبال نمود این مؤلفه‌ها در آرای تفسیری علامه و سید قطب از تفسیر سوره احزاب هستیم. در حقیقت در این مقاله نوعی مهندسی معکوس صورت می‌گیرد. به این معنی که با آشنایی با مؤلفه‌های تحلیل گفتمان می‌خواهیم بدانیم که سید قطب و علامه چگونه و از چه مؤلفه‌هایی در اثبات پیوستگی سوره بهره برده‌اند.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

۳ـ تحلیل گفتمان سوره احزاب با محوریت تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن

علامه و سید قطب سوره احزاب را سوره‌ای مدنی می‌دانند. (طباطبایی، ۴۰۹/۱۶؛ سید قطب، ۱۳۰/۵) در ورود به سوره علامه طباطبایی ابتدا فضای کلی سوره را ترسیم می‌نماید. ترسیم فضای کلی سوره توسط علامه طباطبایی در حقیقت مقدمه‌سازیِ تحلیل گفتمان آن است. علامه در این راستا بیان می‌کند: «این سوره مشتمل است بر معارف، احکام، قصص، عبرت‌ها، و مواعظی چند، و از آن جمله مشتمل است بر داستان جنگ خندق، و اشاره‌ای هم به داستان یهودیان بنی‌قریظه دارد.» (طباطبایی، ۴۰۹/۱۶) اما بیش از این به مقدمه نمی‌پردازد و وارد بحث آیات ابتدایی سوره می‌گردد. اما سید قطب مقدمه بیشتری برای سوره احزاب مطرح می‌نماید. ایشان ضمن ترسیم فضای کلی سوره احزاب، موضوعات مطرح شده در سوره احزاب را در شش مرحله به صورت خلاصه مطرح می‌نماید. از نظر سید قطب خداوند در سوره احزاب در پی رد و یا پذیرش برخی از نظامات و تشکیلات جامعه اسلامی نوپاست، که همه این رخدادها با یک اصل بزرگ پیوند می‌خورد و آن هم اصل عقیده به خدا و تسلیم قضا و قدر او شدن است. (سید قطب، ۱۳۰/۵) بنابراین محور سوره در نظر سید قطب سر و سامان دادن به نظام‌های جامعه اسلامی نوپا مطابق با جهان‌بینی اسلامی و عقیده به خدا و تسلیم قضا و قدر شدن او در تمام امور و پیروی کردن از برنامه یگانه الهی است.

ارائه ساختار کلی نخستین گام در پی‌جویی پیوستگی است. زیرا معنای کلان تنها به وسیله مبحث انسجام‌بخشی در سطح یک متن کلی، قابل تحلیل است (شکرانی، ۱۰۹) علامه و بیشتر از ایشان سید قطب با بیان فضای کلی سوره، به این موضوع می‌پردازند.

گام دوم در پی‌جویی پیوستگی سوره دسته‌بندی آیات در بخش‌ها و زیربخش‌هاست. تا از یک ارتباط جزئی و خطی میان آیات پشت سر هم، به ارتباط فرازهای مختلف با هم و با محور سوره حرکت نماییم. در فرازبندی سوره احزاب، علامه سوره را به هفت فراز و سید قطب آن را به شش فراز دسته‌بندی می‌کنند. ملاک در این مقاله فرازبندی علامه از سوره احزاب است.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

۱. فرازبندی آیات سوره احزاب							
تفسیر المیزان	۱-۸	۹-۲۷	۲۸-۳۵	۳۶-۴۰	۴۱-۴۸	۴۹-۶۲	۶۳-۷۳
تفسیر فی‌ظلال القرآن	۱-۸	۹-۲۷	۲۸-۳۵	۳۶-۴۸		۴۹-۶۲	۶۳-۷۳

جدول ۱ـ فرازبندی آیات سوره احزاب در تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن

علامه و سید قطب در هر فراز از سوره احزاب، به روشن کردن گفتمان آیات و مؤلفه‌های مختلف پرداخته و تحلیل خود را ارائه می‌دهند. که از میان این مؤلفه‌ها و تحلیل گفتمان‌ها صرفاً به مباحثی اشاره می‌شود که در راستای اثبات پیوستگی سوره است. در ادامه برای راهیابی به نظام‌های تحلیل گفتمان در آرای تفسیری سید قطب و علامه، هفتاد و سه آیه سوره احزاب، بررسی و فرازها و پیکره‌های مهم و کلیدی در تبیین و تحلیل نظام گفتمانی حاکم بر آیات، مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۳ـ۱. تحلیل گفتمان آیات ۱ـ۸ سوره احزاب

سوره احزاب با خطاب قرار دادن پیامبر (ص) آغاز شده است، «**یا أَیُّهَا اَلنَّبِیُّ**». سید قطب این امر را بخشی از گفتمان تولید شده در آیه می‌داند. با عنایت به مؤلفه تحلیل گفتمانیِ ارجاع، می‌توان گفت دلیل این خطاب آن است که پیامبر مسئول و مراقب جامعه نوپاست و از آنجا که محور سوره در مورد سر و سامان دادن به نظام‌های جامعه اسلامی است با این ارجاع در ابتدای سوره، مسئولیّت این امر را بر عهده پیامبر(ص) می‌گذارد. (سیدقطب، ۱۳۲/۵) سیدقطب و علامه میان سه آیه اول سوره «**یا أَیُّهَا اَلنَّبِیُّ اِتَّقِ اَللّهَ وَ لا تُطِعِ اَلْکافِرِینَ وَ اَلْمُنافِقِینَ إِنَّ اَللّهَ کانَ عَلِیماً حَکِیماً. وَ اِتَّبِعْ ما یُوحی إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ إِنَّ اَللّهَ کانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِیراً. وَ تَوَکَّلْ عَلَی اَللّهِ وَ کَفی بِاللّهِ وَکِیلاً**» ربط زنجیره‌ای برقرار می‌کنند. سید قطب این عناصر سه‌گانه را سبب جهت‌دهی به زندگی می‌داند. «این عنصرهای سه‌گانه: تقوا، ترس از خدا، پیروی از وحی خدا و توکل کردن به او ـ با وجود مخالفت کافران و منافقان ـ عنصرهایی هستند که دعوت کننده به سوی خدا را با ذخیره و اندوخته مجهّز و مهیّا می‌گردانند و دعوت را بر راستای برنامه روشن و خالصانه آن استوار و پایدار می‌نمایند. آن وقت چنین می‌شود: دستور

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

زندگی از خدا دریافت می‌شود، راه زندگی به سوی خدا می‌رود و هم بدو منتهی می‌شود و در انجام امور زندگی بر خدا تکیه و توکل می‌گردد.» (سید قطب، ۱۳۲/۵) این امر همان مصداقی است از تسلیم خدا شدن در تمام امور.

در ادامه در ابتدای آیه چهارم «**ما جَعَلَ اَللّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَیْنِ فِی جَوْفِهِ ...**» علامه و سید قطب در تفسیر خود مخاطب و گفته‌یاب را به یک توانش منطقی در فهم این گفتمان دعوت می‌کنند. هر انسانی صاحب یک دل است و در یک دل، یک معبود جای دارد. از این‌رو علامه ارتباط این آیه با آیات قبل را این می‌داند که آیه شریفه تعلیل مطلب قبل است، که رسول خدا (ص) را از اطاعت کفار و منافقین نهی می‌کرد و به پیروی آنچه به وی وحی می‌شود امر می‌فرمود، جمله مورد بحث این امر و نهی را تعلیل می‌کند و می‌فرماید اطاعت خدا با اطاعت کفار و منافقین تنافی دارد، چون قبول ولایت خدا و ولایت آنان متنافی است، مثل توحید و شرک، که در یک قلب جمع نمی‌شود. (طباطبایی، ۴۱۰/۱۶) سید قطب نیز این فراز را تعلیل آیات اول تا سوم می‌داند که امر به متابعت از خدای یگانه به پیامبر(ص) را بیان می‌کند و آن را مرتبط به محور سوره دانسته و بیان می‌کند باید یک دل، یک جهان‌بینیِ کلّی برای زندگی و برای هستی داشته باشد. (سید قطب، ۱۳۹/۵) که این امر همان محور سوره و تسلیم خدا شدن و پیروی کردن از برنامه یگانه الهی است.

سید قطب اعتقاد دارد که این سوره در پی سامان بخشیدن به زندگی اجتماعی و اخلاقی جامعه اسلامی نوپاست و از این جهت به دنبال مثال‌ها و نمونه‌هایی از این استوار داشتن در سوره است. در همین راستا سید قطب از ربط توضیحی (بیان نمونه و مصداق) برای بیان پیوستگی آیات با یکدیگر و با محور سوره، بیشتر از سایر مؤلفه‌های تحلیل گفتمان بهره می‌برد. در آیات چهارم تا ششم «ما جَعَلَ اَللّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَیْنِ فِی جَوْفِهِ وَ ما جَعَلَ أَزْواجَکُمُ اَللاّئِی تُظاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهاتِکُمْ وَ ما جَعَلَ أَدْعِیاءَکُمْ أَبْناءَکُمْ ذلِکُمْ قَوْلُکُمْ بِأَفْواهِکُمْ وَ اَللّهُ یَقُولُ اَلْحَقَّ وَ هُوَ یَهْدِی اَلسَّبِیلَ. اُدْعُوهُمْ لِآبائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اَللّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آباءَهُمْ فَإِخْوانُکُمْ فِی اَلدِّینِ وَ مَوالِیکُمْ وَ لَیْسَ عَلَیْکُمْ جُناحٌ فِیما أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لکِنْ ما

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

تَعَمَّدَتْ قُلُوبُکُمْ وَ کانَ اَللّهُ غَفُوراً رَحِیماً. اَلنَّبِیُّ أَوْلی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَزْواجُهُ أُمَّهاتُهُمْ وَ أُولُوا اَلْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلی بِبَعْضٍ فِی کِتابِ اَللّهِ مِنَ اَلْمُؤْمِنِینَ وَ اَلْمُهاجِرِینَ إِلاّ أَنْ تَفْعَلُوا إِلی أَوْلِیائِکُمْ مَعْرُوفاً کانَ ذلِکَ فِی اَلْکِتابِ مَسْطُوراً» به مصادیقی اشاره می‌کند: ردّ پدیده ظِهار و فرزندخواندگی به علّت استوار داشتن خانواده بر بنیاد روشن در جامعه و تحکیم پیوندهای خونی در جامعه ـ عادلانه بودن خواندن پسران به نام پدرانشان به علّت (ربط علّی) تبیین روشن روابط خانوادگی ـ مقرر کردن سیستم برادری پس از لغو سیستم فرزندخواندگی به علّت رها نشدن فرزندخواندگان پس از لغو ارتباط در جامعه ـ پذیرش برادری دینی و ولایت عامه پیامبر(ص) و مقدم داشتن پیامبر(ص) بر خود نشان دهنده (دلالت ضمنی) ساختن رابطه‌های جدید بر اساس عقیده واحد ـ مادری همسران پیامبر(ص) نسبت به مؤمنین به معنی (ربط تخصیصی) وجوب احترام به همسران پیامبر(ص) و مادری روانی مؤمنین. (سید قطب، ۱۴۰/۵ـ۱۴۹) این گفتمان‌ها از جمله مصادیقی در راستای محور اصلی سوره است.

همچنین سید قطب عمل مهاجران و نیز انصار را در پذیرش ولایت عامه پیامبر(ص) پیاده کردن عقیده به صورت کامل و چیره و پیروز کردن عقیده بر دل می‌داند و آن را مصداقی (ربط توضیحی) برای آیه چهارم «**ما جَعَلَ اَللّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَیْنِ فِی جَوْفِهِ**» برمی‌شمرد (سیدقطب، ۱۴۹/۵) و از این طریق آیات را به هم پیوند می‌دهد.

سید قطب در بیان ارتباط آیات تلاش بیشتری دارد و در ورود به آیه هفتم «**وَ إِذْ أَخَذْنا مِنَ اَلنَّبِیِّینَ مِیثاقَهُمْ وَ مِنْکَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ إِبْراهِیمَ وَ مُوسی وَ عِیسَی اِبْنِ مَرْیَمَ وَ أَخَذْنا مِنْهُمْ مِیثاقاً غَلِیظاً**» بیان می‌دارد: «به مناسبت چیزی که در کتاب خدا نوشته است و اراده و مشیّت خدا بر آن رفته است تا قانون باقی و ماندگاری، و برنامه مستمر و بردوامی‌گردد، به پیمان یزدان با پیغمبران به طور عام و انبیاء اولوالعزم به طور خاص اشاره می‌کند.» (سیدقطب، ۱۵۰/۵) از نظر سید قطب اخذ این پیمان کنش مستمری است از زمان حضرت نوح(ع) تا حضرت محمد(ص) که پیامبری به پیامبر بعد از خود تحویل می‌دهد. علامه برای بیان

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

خاص بودن این میثاق از دلالت نحوی بهره می‌برد و اضافه شدن میثاق به ضمیری که به انبیاء برمی‌گردد را دلیل این امر می‌داند. (طباطبایی، ۴۱۶/۱۶)

علامه و سید قطب معتقدند که آیه هشتم «یَسْئَلَ اَلصّادِقِینَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَ أَعَدَّ لِلْکافِرِینَ عَذاباً أَلِیماً» در مقام تعلیل (ربط علّی) آیه قبلی است و علت اخذ پیمان را بیان می‌کند. علامه "لام" را در "لِیَسْئَلَ" لام تعلیل و یا لام غایت می‌داند و آن را متعلق به محذوفی می‌داند که جمله "وَ أَخَذْنا" بر آن دلالت دارد و جمله "أَعَدَّ" بر همان محذوف عطف است. (طباطبایی، ۴۱۷/۱۶)

۳ـ۲. تحلیل گفتمان آیات ۹ـ۲۷

سوره احزاب از نظر سید قطب و علامه این آیات مربوط به حوادث جنگ احزاب و ماجرای بنی‌قریظه است. علامه وجه اتصال این فراز آیات را به آیات قبل این می‌داند که در این آیات درباره حفظ عهد و پیمان‌شکنی گفتگو شده است، (طباطبایی، ۴۲۷/۱۶) و مصداقی از این امور را بیان می‌کند. در نظر سید قطب در این جامعه نوپا که نظام‌ها در حال استوار شدن است، آرام آرام شخصیّت مسلمانان نیز در حال شکل‌گیری است و این تربیت از طریق گرفتار شدن در فتنه و آزمایش‌های دشوار صورت می‌گیرد، که نمونه آن حوادثی است که در این آیات بدان پرداخته می‌شود. سید قطب تذکر دادن مؤمنان به دادن نعمت «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اذْکُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَیْکُمْ» را اینگونه به آیات ابتدایی گره می‌زند (ربط افزایشی) که «همان خدایی که به مؤمنان دستور می‌دهد از وحی پیروی کنند، تنها بر او توکّل کنند و از کافران و منافقان اطاعت ننمایند، همان خدایی است که پاسداران دعوت و برنامه خود را از تجاوز و تعدّی کافران و منافقان می‌پاید و محافظت و مراقبت می‌کند.» (سید قطب، ۱۶۰/۵)

به طورکلی در این فراز از آیات علامه و سید قطب برای تبیین گفتمان موجود در آیات از روابط بینامتنیت و رجوع به متون روایی و گزارش‌های تاریخی بهره می‌برند. نگاه علامه در این

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

آیات بیشتر بر روی دلالت‌های نحوی و کاربرد واژگانی متمرکز است و سید قطب بیشتر به تصویرسازی آیات از حوادث و وقایع نظر دارد و جنبه اعجازآمیز خداوند در بیان ماجرا را مدنظر دارد. این نگاه سید قطب به سابقه او در نگارش «التصویر الفنی فی القرآن» برمی‌گردد.

سید قطب گفتمان آیه هفدهم «قُلْ مَن ذَا الَّذِی یَعْصِمُکُم مِّنَ اللَّـهِ إِنْ أَرَادَ بِکُمْ سُوءاً أَوْ أَرَادَ بِکُمْ رَحْمَةً وَلَا یَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِیّاً وَلَا نَصِیراً» را چیره بودن قضا و قدر خدا بر حادثه‌ها و سرنوشت‌ها تحلیل می‌کند و آن را دارای ربط علّی به محور سوره می‌داند. همچنین ایشان گفتمان‌هایی که در آیه بیست و یکم تا بیست و پنجم آمده را دارای ربط نقیضی با آیات دوازدهم تا بیستم می‌داند که در آن پس از ترسیم چهره نازیبای منافقان، به ترسیم چهره زیبای مؤمنان ـ با معرفی پیامبر(ص) به عنوان اسوه ـ می‌پردازد. (سید قطب، ۱۶۷/۵) علامه نیز وفا کردن برخی از مؤمنین به عهد خود با خدا و رسولش را که در آیه بیست و سوم «مِنَ الْمُؤْمِنِینَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَی نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن یَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِیلاً» آمده دارای ربط نقیضی با آیه نوزدهم و بیستم می‌داند. (طباطبایی،۴۳۴/۱۶)

۳ـ۳. تحلیل گفتمان آیات ۲۸ـ۳۵ سوره احزاب

سید قطب این فراز از آیات را درس سوم سوره احزاب می‌داند که اختصاص به همسران پیامبر (ص) دارد. این آیات در ادامه ذکر «امهات المؤمنین» در ابتدای سوره آمده است که به منظور روشن کردن وظائف، تکالیف، مشکلات و مشقّات این نوع مادری است. (سید قطب، ۱۸۵/۵)

در مورد آیات بیست و هشتم و بیست و نهم «یا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لِأَزْواجِکَ إِنْ کُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَیاةَ الدُّنْیا وَ زِینَتَها فَتَعالَیْنَ أُمَتِّعْکُنَّ وَ أُسَرِّحْکُنَّ سَراحاً جَمِیلاً. وَ إِنْ کُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِناتِ مِنْکُنَّ أَجْراً عَظِیماً» سید قطب و همین‌طور علامه برای روشن شدن گفتمان آیه از متون روایی و گزارش‌های تاریخی بهره می‌برند.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

سید قطب ارتباط این دو آیه را با آیه چهارم «**ما جَعَلَ اَللّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَیْنِ فِی جَوْفِهِ**» اینگونه بیان می‌دارند که همسران پیامبر (ص) بین دو امر یعنی تمتّع و بهره‌برداری از زندگی دنیا و زندگی با رسول خدا و جهان آخرت مخیّر شدند، زیرا یک دل گنجایش دو جهان‌بینی درباره زندگی را ندارد و خدا هم درون کسی دو دل نیافریده است. (سید قطب، ۱۸۸/۵)

در مورد آیه سی‌ام "یا نِساءَ النَّبِیِّ مَنْ یَأْتِ مِنْکُنَّ بِفاحِشَةٍ"علامه به یک ضمیرگردانی اشاره می‌کند و دلیل این التفات را این می‌داند که آیه تکلیفی را که متوجه همسران پیامبر (ص) است، از این طریق مسجّل و مؤکّد می‌نماید. علامه این آیه و آیه بعد را به نحوی تقریر و توضیح آیه قبل می‌داند. یعنی روشن شدن گفتمان «فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِناتِ مِنْکُنَّ أَجْراً عَظِیماً» توسط آیه سی‌ام و سی‌ویکم صورت می‌گیرد و نفیاً و اثباتاً در مورد محسنات و اجر عظیم صحبت می‌کند. (طباطبایی، ۴۵۹/۱۶) سید قطب این دو آیه را پیامد مکانت و منزلت همسران پیامبر(ص) می‌داند، که به نسبت جایگاه خود و مادر مؤمنان بودن، تکالیف دشواری دارند و به نسبت اجر و پاداش عظیم، در صورت مرتکب شدن گناه بزرگ و آشکار نیز، عذاب دو چندان می‌بینند. (سید قطب، ۱۸۸/۵)

سید قطب گفتمان‌های آمده در این آیات را که به بیان ویژگی‌های مادران مؤمنان می‌پردازد، علّتی بر سر و سامان دادن به نظم اجتماعی و امور خانوادگی می‌داند که این امور مصادقی از محور سوره در سامان دادن به جامعه اسلامی است.

علامه اطاعت آمده در ادامه آیه سی و سوم «وَ أَقِمْنَ الصَّلاةَ وَ آتِینَ الزَّکاةَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» را روشن کرده و امتثال امر خدا را تکلیف شرعی دانسته و اطاعت از رسول را به سبب ولایتی می‌داند که حضرت رسول (ص) بر مؤمنان دارد و در آیه ششم «اَلنَّبِیُّ أَوْلی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» آمده بود (طباطبایی، ۴۲۶/۱۶) سید قطب برپا داشتن نماز و دادن زکات و اطاعت از خدا و رسولش را آخرین رهنمودهای احساسی، اخلاقی و رفتاری می‌داند که خطاب به اهل بیت صادر می‌شود و همه این رهنمودها دارای حکمت و قصد و هدفی است که همان «إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً»

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

است. به این معنا که خداوند در یکی دو آیه قبل لوازم زدودن پلیدی را نام می‌برد تا این موضوع را بیان نماید. (سید قطب، ۱۹۹/۵)

درباره فراز انتهایی آیه سی و سوم که به آیه تطهیر معروف است علامه و سید قطب نظر مشابهی ندارند، سید قطب این بخش از آیه را در اتصال با سایر آیات این فراز می‌داند و به نوعی وحدت سیاق را شاهد می‌گیرد و مصداق اهل بیت را همسران پیامبر (ص) به حساب می‌آورد. (سید قطب، ۱۹۹/۵) اما علامه با توجه به برخی از استدلالات نحوی و بیشتر از آن با تکیه بر روابط بینامتنی نزول و قرارگیری آیه تطهیر را در این بخش از سوره مستقل دانسته و مصداق اهل بیت را فقط خمسه طیّبه می‌داند. (طباطبایی، ۴۶۲/۱۸)

سید قطب در تحلیل گفتمان ذکر مردان و زنان مؤمن و مسلمان را در کنار یکدیگر در آیه سی و پنجم «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِماتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ ...» را با توجه به بافت موقعیّت زمان نزول که ارزشی برای زن قائل نبود، دلالتی بر یکسان دانستن مردان و زنان در تشکیل جامعه اسلامی و ارزش قائل شدن برای زنان می‌داند که خود مصداق دیگری از سر و سامان به نظام جامعه اسلامی نوپاست. (سید قطب، ۲۰۰/۵)

۳ـ٤. تحلیل گفتمان آیات ۳۶ـ٤۰ سوره احزاب

علامه و سید قطب جهت تبیین گفتمان آیات به روابط بینامتنی اشاره کرده و متذکر شده‌اند که آیه ابتدایی در مورد زید بن حارثه و زینب بنت جهش است. که با توجه به آیات بعد به ماجرای ازدواج و طلاق آن دو و ازدواج پیامبر (ص) با زینب می‌پردازد. سید قطب این آیات را با محور اصلی سوره پیوند زده و بیان می‌دارد که در این فراز نیز یکی دیگر از قوانین جامعه اسلامی برای سامان بخشیدن به گروه مسلمانان بیان گشته است. این قانون ابطال حرمت ازدواج با همسر فرزندخوانده است که از نظر سید قطب، مأموریت دشواری است که پیامبر(ص) در راستای انجام وظیفه رسالت، عهده‌دار انجام آن می‌گردد. سید قطب این تغییر کنش را در مردم جامعه آن زمان که باور به حرمت ازدواج با همسر پسرخوانده را

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

قطعی می‌دانستند، بار سترگی بر دوش حضرت می‌داند. زیرا اعتقاد دارد که این باور ریشه در ژرفای درونی جامعه دارد. سید قطب و علامه بیان می‌دارند پیش از این به ابطال رسم فرزندخواندگی در آیه چهارم پرداخته شده است. اما اینجا به نفی کنش دیگری پرداخته می‌شود و یک تغییر در کنش از مخاطبان آیات انتظار می‌رود. (سید قطب، ۲۰۲/۵)

علامه آیه سی و ششم "وَ ما کانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لا مُؤْمِنَةٍ إِذا قَضَى اَللّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْراً أَنْ يَكُونَ لَهُمُ اَلْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اَللّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً مُبِيناً» را مقدمه‌ای برای آیات بعد می‌داند. سپس به بیان مفهوم قضای خدا و قضای رسول می‌پردازد. در این راستا از سیاق کمک گرفته و قضای خدا را حکم شرعی می‌داند که به وسیله آن در شئونات آنان دخل و تصرّف می‌کند. در بیان قضای رسول از ارتباط آیات کمک گرفته و با توجه به آیه ششم «اَلنَّبِيُّ أَوْلى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» بیان می‌دارد که این امر به خاطر ولایتی است که خداوند برای پیامبر(ص) قرار داده است. از این طریق قضای رسول، قضای خدا نیز هست. زیرا اوست که امر رسول را در بندگانش نافذ کرده است. (طباطبایی، ۴۸۱/۱۶) سید قطب نیز این آیه را در ربط افزایشی با محور سوره در تسلیم قضا و قدرِ خدا شدن می‌داند. (سیدقطب، ۲۰۲/۵)

۳ـ۵. تحلیل گفتمان آیات ٤١ ـ٤٨ سوره احزاب

علامه در تحلیل واژگانی "ذکر" در آیه چهل و یکم «يا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا اُذْكُرُوا اَللّهَ ذِكْراً كَثِيراً» آن را مقابل نسیان گرفته و معنای آن را فراتر از ذکر زبانی می‌داند، [۱۸، ۴۹۲/۱۶] سید قطب نیز در این زمینه با علامه هم رأی است. سید قطب دلی را که لبریز یاد خداست، دارای وقار می‌داند و این دل می‌تواند با برنامه خدا آشنا شده و گام‌هایش را به سوی او بردارد. سید قطب در بیان ارتباط آیه با محور سوره، ذکر خدا را لازمه و پیش‌زمینه آشنا شدن با برنامه الهی می‌داند. این دل باید سرشار از باوری باشد تا مؤمن را به توانشی سوق دهد که با تمام وجود مطیع خداوند باشد. ذکر خداوند این باور بنیادین را در مؤمن تقویت می‌کند. (سید قطب، ۲۱۳/۵)

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

علامه آیه چهل و سوم «هُوَ اَلَّذِی یُصَلِّی عَلَیْکُمْ وَ مَلائِکَتُهُ لِیُخْرِجَکُمْ مِنَ اَلظُّلُماتِ إِلَی اَلنُّورِ وَ کانَ بِالْمُؤْمِنِینَ رَحِیماً» را دارای ربط شرطی به آیه چهل و یکم می‌داند و بیان می‌کند: «اگر خدا را بسیار یاد کنند، و او را صبح و شام تسبیح گویند، خدا هم بسیار بر آنان درود می‌فرستد، و غرق نورشان می‌کند، و از ظلمتها دورشان می‌سازد.» (طباطبایی،۴۹۳/۱۶)

سیدقطب و علامه آیه چهل و هشتم «وَ لا تُطِعِ اَلْکافِرِینَ وَ اَلْمُنافِقِینَ وَ دَعْ أَذاهُمْ وَ تَوَکَّلْ عَلَی اَللّهِ وَ کَفی بِاللّهِ وَکِیلاً» را تکرار همان خطابی می‌داند که در سرآغاز سوره آمده است که مقوله اذیّت و آزار کافران افزون بر آن آمده است. (طباطبایی، ۴۹۳/۱۶؛ سید قطب، ۲۱۶/۵)

۳ـ۶. تحلیل گفتمان آیات ۴۹ـ۶۲ سوره احزاب

علامه فضای کلی این فراز را در مورد نکاح و طلاق می‌داند که بعضی مخصوص پیامبر(ص) و برخی راجع به همه مسلمانان است. سید قطب نیز این آیات را در بیان احکام قرآنی جهت نظم و نظام دادن به کارهای خانواده می‌داند که از دید ایشان مرتبط با همان محور سوره است. (سید قطب، ۲۱۷/۵) مانند عدم ازدواج با همسران پیامبر(ص) بعد از درگذشت ایشان که علت حرمت آن در ششم بیان شد.

۳ـ۷. تحلیل گفتمان آیات ۶۳ـ۷۳ سوره احزاب

علامه طباطبایی موضوع آیات این فراز را اینگونه بیان می‌کنند: «این آیات درباره ساعت یعنی قیامت سخن می‌گوید و پاره‌ای از آنچه بر سر کفار خواهد آمد و عذاب‌هایی که خواهند دید را بیان می‌کند و مؤمنین را دستور می‌دهد به اینکه سخن سنجیده و منطقی بگویند و وعده‌شان می‌دهد به وعده‌هایی جمیل. در آخر، سوره را با ذکر مسأله امانت ختم می‌کند.» (طباطبایی، ۵۲۰/۱۶)

سید قطب در سیر ارتباط با آیات تذکر می‌دهد که پرسش از قیامت «یَسْئَلُکَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ» برای این است که با این عاقبت آشنا شویم و اینگونه کار کردن برای قیامت، یگانه

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

چیزی است که انسان را از این سرنوشت بدشگون نجات می‌دهد. (سید قطب، ۲۲۹/۵) در واقع این تصویرسازی کمک می‌کند تا افراد نتیجه کنش‌های صالح و فاسد خود را دریابند و انسانی که غافل نباشد، از تحذیر این آیات درس گرفته و کنش‌های خود را اصلاح می‌نماید.

در پایان آیه ۷۲ علامه بیان می‌دارد که با این آیه، سوره احزاب در حقیقت تمام شده است، چون مسأله اطاعت خدا و رسول، کلام جامعی است که همه احکام سابق از واجبات و محرمات را شامل می‌شود، و دو آیه بعدی به منزله متمّم برای آیه مورد بحث است. (طباطبایی،۵۲۴/۱۶)

سید قطب در انتها بیان می‌دارد سوره‌ای که با رهنمود کردن پیامبر(ص) به اطاعت از خدا، نافرمانی از کافران و منافقان، پیروی کردن از وحی خدا و توکل کردن بر خدای یگانه آغاز گردیده بود با این آهنگ هراس‌انگیز و امانت عظیمی که بر دوش انسان است پایان می‌یابد و اینچنین ارتباط آغازه و پایانه را با محور اصلی بیان می‌کند سوره‌ای که رهنمودها و قوانین و مقرراتی را در برگرفته است، رهنمودها و قوانین و مقرراتی که نظام و سیستم جامعه اسلامی بر آنها استوار و پایدار می‌گردد. جامعه‌ای که مخلص خداست و رو به خدا می‌کند و مطیع رهنمودها و رهنمون‌های خدا می‌شود. با این آهنگ این سوره پایان می‌پذیرد، آهنگی که بزرگی مسئولیت و سترگی امانت را به تصویر می‌کشد، موضع بزرگی و منشأ سترگ را معین و مشخص می‌دارد، سراسر آن را در تلاش انسان برای شناخت یزدان، راهیابی به قانون خدا، فرمان بردن از مشیّت و اراده او محصور و محدود می‌کند. با این آهنگ این سوره پایان می‌پذیرد و بدین وسیله فرجام و پایان سوره با موضوع و روی‌کرد آن هماهنگ و هم‌آوا می‌گردد، هماهنگی و هم‌آوایی اعجازانگیزی که به تنهایی دالّ بر سرچشمه این کتاب است. (سید قطب، ۲۳۶/۵)

در نمودار ۱ کاربست تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی فرازهای مختلف سوره احزاب را در آرای سید قطب را مشاهده می‌کنید.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

محور سوره: سر و سامان دادن به نظام‌های جامعه اسلامی نوپا مطابق با جهان‌بینی اسلامی --- عقیده به خدا و تسلیم قضا و قدر شدن او در تمام امور و پیروی کردن از برنامه یگانه الهی

فراز ۱-۸ سوره احزاب

گفتمان آیات: رهنمودکردن پیامبر (ص) به اطاعت از خدا و اطاعت نکردن از کافران و منافقان و توکل کردن بـر خدا و تبعیت از وحـی رد پدیده ظهار و فرزندخواندگی - ولایت عامه پیامبر(ص) -مادری روانی همسـران پیامبر(ص) نسـبت به مؤمنین - اخذ میثاق از انبیاء - پرسش از صدق صادقان و آماده شدن عذاب برای کافران.

تحلیل گفتمان:
- تسلیم و مطیع اراده مطلق خداوند و تبعیت از برنامه خداوند. (خطاب به پیامبر به عنوان رهبر جامعه اسلامی)
- نمونه‌هایی از سر سامان دادن به تنظیمات و تشکیلات جامعه و اصلاح روابط در جامعه اسلامی نوپا.
- نوشتن قوانین و نظامات جامعه اسلامی در کتاب قدیم و اخذ پیمان از انبیاء پیشین.

فراز ۹-۲۷ سوره احزاب

گفتمان آیات: بیان حوادث جنگ احزاب شامل یادآوری نعمت نصـرت به مؤمنان - ترسیم فضـای مدینه زمان آمدن احزاب - ترسیم سیمای منافقان و کارشکنی‌ها، بهانه‌تراشی‌ها و نقض عهد و پیمان توسط ایشـان - اسوه معرفی شدن پیامبر(ص) برای امت ترسیم چهره مؤمنان در عمل به عهد و پیمان - اشاره به جریان قبیله بنی‌قریظه.

تحلیل گفتمان:

فراز قبل	ارتباط با	بیان نمونه‌هایی از پایبندی و یا عدم‌پابندی به عهد و پیمان اشاره شده در آیه ۷ و ۸	ربط توضیحی

- بیان ارتباط موضع منافقان و یهودیان و تلاش و کوشش این گروه‌ها برای پریشـانی جامعه اسلامی چه از راه یورش جنگی و چه از راه نابسامان کردن اوضاع و احوال اجتماعی و آداب و رسوم اخلاقی.
- بیان رفتارهایی از دو گروه که یکی تسـلیم و مطیع اراده مطلق خداوند و تابع برنامه الهی است و دیگری بر خلاف آن. (مؤمنان و منافقان به عنوان گروه‌های تشکیل دهنده جامعه اسلامی)

فراز ۲۸-۳۵ سوره احزاب

گفتمان آیات: رهنمودهایی مربوط به همسـران پیامبر از جمله اختیار کردن حیات آخرت و انجام عمل صالح برای رسیدن به فوز عظیم عدم تبرج - نحوه پوشش -نحوه سخن گفتن با مردان - تقوا ورزیدن - اقامه صـلاه و دادن زکات - اطاعت از خدا و رسـول نزدیک نشدن به فاحشه مبینه و ... - بیان صفات انسان جامعه اسلامی.

تحلیل گفتمان:

فرازهای قبل	ارتباط با	بیان وظایف همسران پیامبر(ص) که در آیه ٦ آنها را مادران مؤمنان معرفی کرد.	ربط افزایشی

- بیان برخی از آثار جنگ‌ها و غنیمت‌ها در واقعیت زندگی مسلمانان.
- نمونه‌هایی از سر سامان دادن به تشکیلات جامعه و اصلاح روابط در جامعه اسلامی نوپا - دستورات فردی و اجتماعی.
- دستوراتی مربوط به خانه پیامبر(ص) با توجه به اهمیت جایگاه آنان در جامعه.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

نمودار ۱ـ کاربست تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی فرازهای مختلف سوره احزاب.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

٤ـ تبیین تناسب فرازهای هفت‌گانه و اثبات پیوستگی کل سوره

یکی از کارکردهای نظریه پیوستگی سوره می‌تواند پاسخ بـه شـبهات پراکنـده‌نمـایی و گسستگی آیات سور قرآن باشد. در بخش‌های قبل به فـراز بنـدی سـوره احـزاب از نظـر علامه طباطبایی و سید قطب پرداخته شد. سوره به ۷ فراز تقسیم شده و ارتباط آیـات هـر فراز با هم بررسی گردید. اما آنچه که اساس پیوستگی کل سوره را تضمین مـی‌کنـد رابطـه فرازها با یکدیگر است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. علامه طباطبـایی عـدم تناسـب ظاهری در برخی فرازها را با مبنای اساسی خود در تفسیر که همان هدفمندی سوره اسـت تبیین می‌کند و با توجه به روابط بینامتنی و نیز بهره‌گیـری از تـوانش منطقـی در رد سـایر اقوال و نیز دلالت‌های نحوی و واکاوی واژگانی و نیز بهره‌گیری از آیه قبل (شـرط تقـوای بیان شده در آیه سی و دوم که با اراده مطلقه خداوند منافات دارد) بیان می‌دارد که این این فراز از آیه مستقل بوده و ارتباطی به آیات قبل و بعد از آن ندارد.

سید قطب با تحلیل گفتمان فرازهای سوره احزاب آنها را گفتمان‌هایی می‌دانـد کـه یـا انسان را به تسلیم خدا بودن و مطیع عقیده واحدی گشتن سوق می‌دهد و یا در پـی سـر و سامان دادن به تشکیلات جامعه اسلامی است که آن هم در صـورت پـذیرش عقیـده الهـی امکان پذیر است. به این صورت سید قطب فرازهای مختلف سـوره احـزاب را بـه محـور سوره پیوندمی‌زند و از آن سو در ارتباط گفتمان فرازهـای مختلـف آیـات بـا یکـدیگر از مؤلفه‌هایی نظیر ربط توضیحی، ربط افزایشی، تکرار، ارتباط آغازه و پایانه بهره می‌برد.

۵ـ نتیجه مقاله

تحلیل پیوستگی سوره احزاب در آرای تفسیری سـید قطـب و علامـه بـا اسـتفاده از مؤلفه‌های تحلیل گفتمان، نشان داد که تلاش هر دو مفسر در اثبات پیوستگی سوره در چند فراز ابتدایی بیش از فرازهای پایانی است. در مقام مقایسـه علامـه در تحلیـل گفتمـان بـه جزئیات بیشتری توجه دارد و همین امر باعث شده که ایشـان بـه ریزگفتمـان‌هـایی در دل

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

آیات اشاره نماید. ولی سید قطب بیشتر روح کلی گفتمان سوره را مدنظر دارد. علامه طباطبایی با آنکه قرآن را دارای روحی واحد می‌داند و معتقد به وحدت موضوعی سوره‌هاست اما در برخی فرازها در این سوره را منقطع دانسته است. با این وجود، نحوهٔ پردازش مطالب و تبیین آیات در تفسیر سید قطب و علامه، منطبق بر گفتمان هوشمند از نوع القایی است، که یکی از طرفین گفتمانی تلاش می‌کند با تأثیر بر دیگری توانش او را به نحوی تغییر دهد و او را به کنشی که می‌خواهد سوق دهد. هرچند گفتمان هوشمند از نوع برنامه‌مدار و تجویزی، از جمله نظام هایی است که بیشترین قابلیت تطبیق برآرای آنها را دارد. زیرا خداوند دستوراتی را برای گفته‌یاب‌ها صادر می‌کند که لازم‌الاجرا است. لذا در این فرازها گفتمان رخدادی از نوع مشیّت الهی، حاکم است که خبر از حضور مرجعی قدرتمند و فرابشری دارد که منشأ اصلی همه توانش‌ها و کنش‌هاست. این امر در نگاه سید قطب جایگاه برجسته ای دارد تا آنجا که می‌توان گفت سید قطب در پیوستگی آیات سعی می‌کند گفتمان مبتنی بر مشیّت الهی را چون محوری کلیدی حفظ نماید. از همین روست که سید قطب، پذیرش گفتمان دستوری و برنامه‌مدار خداوند را از سوی گفته‌پرداز به حق می‌داند.

حتی سید قطب پیشتر از این رفته و گفته‌یاب را در نسبت با خداوند دارای باور بنیادینی می‌داند که در مواردی بدون اینکه به کنشی خوانده شود، فقط بر حسب وظیفه معرفتی خود به انجام کنش تن می‌دهد. از این رو گفتمان هوشمند از نوع مرام‌مدار نیز در آرای تفسیری سید قطب آمده است. علاوه بر این موارد سید قطب به خاطر سابقه هنری در تصویرسازی‌های قرآن، در سوره احزاب نیز این نگاه خود را امتداد داده و در مواردی به گفتمان احساسی از نوع تنشی ـ عاطفی اشاره می‌کند.

از آنجا که علامه بیان روشنی در ارائه محور سوره احزاب ندارد، نتوانستیم آرای ایشان را به محور سوره مرتبط نماییم. اما سید قطب اهتمام بیشتری به پیوسته نشان دادن گفتمان آیات با محور سوره دارد و فرازهای مختلف سوره احزاب را به محور سوره پیوند می‌زند و از آن سو در ارتباط گفتمان فرازهای مختلف آیات با یکدیگر از مؤلفه‌هایی نظیر ربط

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

توضیحی، ربط افزایشی، تکرار، ارتباط آغازه و پایانه بهره می‌برد.

در جدول ۲ می‌توانید تطبیق کاربست مؤلفه‌های تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی سوره در آرای تفسیری سید قطب و علامه طباطبایی در تفسیر سوره احزاب را مشاهده نمایید.

ردیف	مؤلفه‌های تحلیل گفتمان	اثبات پیوستگی آیات و محور سوره در فی ظلال القرآن	اثبات پیوستگی آیات در المیزان
۱	دلالت ضمنی	✓	–
۲	ربط علّی	✓	✓
۳	ربط تخصیصی	✓	–
۴	ارجاع	✓	–
۵	تأکید	–	✓
۶	ربط افزایشی	✓	✓
۷	ربط شرطی	–	✓
۸	ربط نقیضی	✓	✓
۹	ربط توضیحی	✓	✓
۱۰	تکرار	✓	✓

جدول ۲ـ تطبیق کاربست مؤلفه‌های تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی سوره در آرای تفسیری سید قطب و علامه طباطبایی در تفسیر سوره احزاب

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم؛

۲. الاوی، سلوی محمد؛ روابط متنی قرآن: ربط پیوستگی و ساختار؛ مترجم: سید اکبر جلیلی؛ نشر نویسه پارسی، تهران، ۱۳۹۵ق.

۳. آقاگل‌زاده، فردوس؛ فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی؛ نشر علمی، تهران، ۱۳۹۲.

۴. البرزی، پرویز؛ مبانی زبان‌شناسی متن؛ چاپ دوم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۹۲.

۵. ایازی، محمدعلی؛ کاوشی در تاریخ جمع قرآن؛ انتشارت مبین، رشت، ۱۳۸۷.

۶. توکلی، نرجس؛ پویازاده، اعظم؛ «واکاوی کارکرد تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی متن قرآن کریم با تاکید بر رهیافت نیل رابینسون»؛ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال اول، شماره چهارم، ۱۳۹۶.

۷. حجازی، محمد محمود؛ الوحده الموضوعیه فی القرآن الکریم؛ دارالکتب الحدیثه، قاهره، ۱۹۷۰م.

۸. سید قطب؛ فی ظلال القرآن؛ به ترجمه: مصطفی خرم‌دل؛ چاپ دوم، احسان،تهران، ۱۳۸۷.

۹. شحاته، عبدالله محمود؛ اهداف کل سوره و مقاصدها فی القرآن الکریم؛ الهینه المصریه العامه للکتب، مصر، ۱۹۷۶م.

۱۰. شکرانی، رضا؛ «بررسی روش گفتمان‌کاوی و چگونگی کاربست آن در مطالعات قرآنی»، عیار پژوهش در علوم انسانی، سال سوم، شماره اول، ۱۳۹۰.

۱۱. شعیری، حمید رضا؛ «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه ـ معناشناسی»، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۱۹، ۱۳۸۶.

۱۲. طباطبایی، محمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ به ترجمه: محمدباقر موسوی؛ چاپ پنجم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴.

۱۳. کوبلی، پاول؛ نظریه‌های ارتباط؛ مترجم: احسان شاقاسمی؛ پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.

۱۴. مقبلی، ام‌البنین؛ «بررسی تناسب آیات در تفسیر المیزان از دیدگاه علامه طباطبایی با تکیه بر سوره احزاب»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، احمد جمالی زاده، الهیات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۳.

۱۵. وفایی، ترانه؛ شعیری، حمیدرضا؛ راهی به نشانه ـ معناشناسی سیّال با بررسی موردی ققنوس نیما؛ انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸.

۱۶. یارمحمدی، لطف‌الله؛ گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی؛ هرمس، تهران، ۱۳۸۳.

17. Titscher, Meyer, wodak, & Vatter; Methods of Text and Discourse Analysis. London: Sage. 2000.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.4.3]